

دره گل؟

ای گلشن سکنه من

ای بار،

بعد از زاری سال جدائی؟

دیدم ترا و شادم از این دیدار.

گوئی که در کورب با یک

برخار بوده سخن روشن شد

بر سخی چراغ دل بن شد

~~تو که غایب بودی~~

رضیم و با تو سخن؟ ...

از تو ماه دره گل شد

پوشیده در برند ز یادون

مرغان در دره شانه من خستند

خوابی چه آسانی در آسوده

آن آت در روشن غوغاگر

مانند قسم من هم بست بیدار

و آن اثر سید سمرگانی

رخسند لورده به کرباسار

ای اختر سکنه من

ای بار

دیدار تو چون گل بود در

بر عطر پرنت طاف ضیال انتر

رحم با روید و چه زیبا بود

لندن نوشته ۱۹۷۵
علاء